مرحوم شیخ قزوینی اشکالاتی رو مطرح کردند خب اینها رایج هستند در خصوص مواردی که انقولتهایی که به وجود نازنین امام زمان جمعی از مخالفین وارد کردند از جمله اینکه عقیده شیعه درباره آن حضرت به هیچ وجه مستلزم محال عقلی نیست و در این جلسه میفرمایند مستلزم محال عادی هم نیست یک گذری نسبت به جلسه قبل داشته باشیم و بعد ادامه بحث رو در خدمت بزرگواران باشی

خداوند متعال صفاتی رو داره صفات ثبوتی و صفات سلبی

صفات ثبوتی صفاتی هست که برای خدا اثبات میشه

صفات صلبی صفاتی هست که از خدا نفع میشه دفع میشه

مثلا صفات سلبی پروردگار چیه ؟ اینه که پروردگار جاهل نیست پروردگار عاجز نیست پروردگار ناقص نیست پروردگار محدود نیست اینها همه صفات سلبی از خداوند سلب میشه تنزیه میشه خداوند

صفاتی هست که برای خداوند اثبات می شود حالا این صفاتی که برای خداوند اثبات میشه یا صفات ذاتی خداوند هست یا صفات فعلی خداوند

صفات ذاتی خداوند یعنی همیشه برای خداوند ثابت هست قابل اثبات هست که از خداوند نفی نمیشه بوده اون چه صفاتی هست مثل علم پروردگار ( علم پروردگار اینطور نیست که در مرحله ای علم داشته باشه و در مرحله ای نداشته باشد )

قدرت ، حیات ،ازلیت یعنی بوده بوده بوده مسبوق به عدم و نیستی نیست که نبوده باشیم

ابدیت همیشه خواهد بود طول عمر نداره که حالا بخواهی بگی عمرش ده هزار سال تموم میشه که عمر خدا تموم بشه بوده و خواهد بود اینها صفات ثبوتی ذاتی خداوند هست یک صفاتی هست ثبوتی فعلی هست یعنی باید فعلی از خداوند صادر شده باشه که این صفات را بشود به خدا نسبت داد مثل خالقیت خداوند بود و چیزی نبود قدرت برخلق داره نمیشه گفت خالق قدرت بر خلق داره اما چیزی خلق نکرده خداوند رزق نداده نمیشه گفت رازق

اما وقتی خلق کنه و رزق بده میشه خالق یا رازق

وقتی فعلی از خداوند صادر بشه کل صفاتی که توضیح دادم یا صفات الهی عست

ثبوتی یا ذاتی یا فعلیه

صفت قدرت رو می خواهیم یک ارزیابی کنیم چون مربوط به بحث ماست قدرت خداوند چه مقدار هست چقدر خداوند توان داره قدرت داره نیرو داره چکاری رو انجام میده اینها قابل درک نیست ما میگیم اگر بخواد نسبت به این مخلوقات بخواهیم در نظر بگیریم این مخلوقات محدودند

بیش از این که این مخلوقات هست قدرت خداوند حد و حدود نداره عین ذاتش نیست هر چیزی که شدنی هست پس حقیقتی است که حد و حدود نداره هر چیزی که شدنی باشه قدرت خداوند تعلق میگیره فرض کنید خداوند میتونه کره زمین رو به اندازه یک تیله بکنه بله چون شدنی هست میتونه یک تیله رو به اندازه کره زمین بکنه آنن بله چون شدنی هست قدرت بهش تعلق پیدا میکنه میتونی به ما دوتا بال بده پرواز بکنیم بله میتونه به یک کبوتر دوتا دست بده بله اینها همه شدنی هست میتونه چوب خشک رو تبدیل به اژدها بکنه بله علی کل شی قدیر یک سری اموری هست که گاهی اوقات قدرت خدا لاحد له هست حد و حدود نداره ما برای شما اثبات می کنیم که خداوند یک سری کارها رو نمیتونه انجام بده چه کارهایی آیا خداوند میتونه خودشو نابود بکنه خودشو از بین ببره میتونی سفارت مخلوق بگیم نمیتونه عاجز میشه خدا میتونه یک سنگی رو خلق کنه که خودش نتونه بلند بکنه سنگ را میتونه خراب کنه ولی میتونه نتونه بلند کنه اگر نتونه قدرتش میشه محدود چنین سنگی رو نتونه بلند بکنه نمیتونه خلق بکنه پس قدرتش میشه محدود ایا خداوند می تونه یکی مثل خودش رو خلق بکنه ؟؟؟اگر بگیم میتونه خلق بکنه خب این خدا نیست خدا میتونه اگر بگیم نمیتونه خراب کنه نه از ضعیفه پس دیگه قدرتش لاحد له محدوده از این نیست این هم نیست خدا میتونه این کره زمین را با این اندازه که هست داخل یک تخم مرغ قرار بده بدون اینکه کره کوچیک بشه تخم مرغ بزرگ بشه میتونی یا نمیتونه خوب این کره زمین چطور میتونه توی این تخم مرغ جا بگیره حجم تخم مرغ این مقداره کره زمین چطوری میتونه جا بگیره میگی نمیتونه میگه پس عاجزه علی کل شیء قدیر نیست پس قدرت حد خورد قدرت که حد بخوره چه گیری داره ازما که زورش بیشتر قدرتش بیشتر حد بخوره مگر شما نگفتید قدرتش معین ذاتشه حقیقتش هم ذات خورد حقیقتش حد خورد حقیقتش هم حد بخوره چه اشکالی داره خوبه حد خورد میشه مخلوق مخلوق هم یعنی معدود منتها محدودیت مون این مقداره محدودیت شو فرض کن کمتر از محدودیت اما ولی همه محدودیم به حکم اینکه تمام هر چیزی هم که محدوده مخلوق مثل خدایی در کار نیست این شبهاتی که آتیس ها مطرح می کنند کسانی که اینها وارد می کند و طرف میمونه چکار باید بکنیم من امروز یک فرمول را به دوستان ارائه دهد بلدین ولی خوب به صورت یک مقدار دقیق‌ترکه این سری شبهاتی که در مورد امام زمان و طول عمر حضرت و جوانی حضرت از این سوالات هم مطرح می‌کنم که میگن آقا شما میگین امام زمان هزار و اندی سال عمر کرده مگر میشه یک آدم اینقدر عمر بکنه میگیم خدا بی خدا نمیتونه چطور داخل یک تخم مرغ نمیتونه کره زمین قرار بده چون تخم مرغ ظرفیت نداره توان و قوه بشرآنقدر نیست که یک آقای انصاری بتونه هزار و اندی سال عمر میکنه اونم تازه چهل سال باقی بمونه حالا این یه حرفی هزار و اندی سال پیرمردی بشه نحیف باشه فرتوت باشه ضعیف باشه محاسنش همه سفید باشه موی سرش سفید باشه روی صورتش چروک افتاده باشه میگه نه ۴۰ ساله مثل یک جوان ۴۰ ساله تر و تازه باقی بمونه در عین اینکه هزار و اندی هم عمر داره میگه اشکال چطور داخل یه تخم مرغ نمیتونی کره زمین به جا بگیره نمی‌توان این کار انجام بده ظرفیت بشر اینکه پیر میشه از زمان غیبت صغری بعد هم کبری از اوایل تا الان هیچ تغییر نکرده نور خورشیدی مشکلاتی استرسی این موهای سرش همینطور سیاهه مونده به تعبیری یا تک و توک سفید داره نمیشه عمر هم به بررسی بکنیم در تاریخ آنهایی که عمرهای طولانی داشتند چند سال داشتند

صد سال بوده ۱۲۰ سال بودی کجا بوده ۳۰۰ سال بوده الان کجا داریم آقا سلمان ۴۰۰ سال بوده تا که بودیم اینها را گزارش کرده اند که ۴۰۰ سال بوده نه هزار و خورد سال اینها قدرت خود خدا هم به این چیزها تعلق نمیگیره حرف‌های شما داریم پس ببینید اشکالی که مطرح کردن این گونه است که به قدرت خدا اینها تعلق نمیگیره حالا ببینید من یک اصلی را خدمت دوستان عرض کنم که الان هم در ضمن اشکالی که مطرح کردم و پاسخ هم دادم اجمالی قدرت خدا بر امر محال تعلق نمیگیره اول باید بگیم محال چیهمحال در جلسه قبلی توضیح دادم که نمونه هایی از محال و گفتم از مستقلات عقلیه حکم سریع عقله اینا چیه ببینید ماسک الان دست منه این ماسک در عین اینکه دست من باشه در دست من نباشه نمیشه الان در دست منه در این زمان نیست زمان فعال کرد نمیشه نه در همین آنی که ماسک در دست من هست در دست من نباشه محاله به خاطر اینکه وجود با عدم قابل جمع نمیشه وجود با عدم قابل جمع نمیشه این وجود عدم نبود ماسک فیزیکن که توی کلاس باشین نباشین فکر تو جای دیگه است در این کلاس هست توی کلاس باشین اما توی خونتون هم باشین با همین جسد نه اینکه دو سه تا جسد داریم یه روح داریم اشراف به همه داره همین یک بدن در عین اینکه توی این کلاسه توی کلاس نباشه نمیشه محاله بود و نبود با هم قابل جمع نمیشه گفتیم میشه اجتماع نقیضین. اجتماع نقیضین حکم مستقل عقلی محاله حالا این ماسکی که در دست منه هم وجود نداشته باشه عدم هم نداشته باشه یعنی بودشو ازش سلب بکنیم نبودشم ازش سلب بکنیم نمونه دیگر اجتماع ضدین ماسک در حالی که سفید سفید است در دست من است همه جاش سفیده داخلش هم سفیده بیرونش هم سفیده چشمش هم سفیده در عین این که همش سفیده همش سیاه باشه همه این سیاه باشه خب بله الان هست می کنمش توی رنگ سیاه شده زمان کرد در همین آنکه در دست من هستی سفید است سیاه و سیاه باشه سفید یک حقیقت وجودی هست سفید یک رنگ دیگه سیاه یه رنگه در اینکه سفیده سیاهم باشه نمیشه این میشه اجتماع ضدین بین بوده نبوده ضدین بین دو حقیقت وجودی یعنی سفیدی یه رنگ سیاه یه رنگه سفید از سیاه سیاه نمیشه سفید و سفید سبز و سبز نمیشه این محاله در عین اینکه من یک انسان باشم یک اسب هم باشم باطن رو نگاه بکنی شاید بدتر از اسب باشه من کاری نداشته باشه همین ظاهر چه شکلیه حالا در اینکه من یک انسانم دارم حرف میزنم اسب هم باشم نمیشه اصلا یک حقیقت تو یک آدمی اجتماع ضدین نمیشه چیزی این محاله حالا ببینید اموری که محاله را توضیح دادم به شما آیا خداوند کاری محال میتونه انجام بده نکته اینجاست خداوند کار محال قدرتش تعلق نمیگیره محال اصلاً تحقق یافتنی نیست مثلاً خداوند می تونه یک کاری بکنید که این همین ماسک در همین آنانی که دست من سفید سفید باشه سیاه و سیاه باشه میگن خداوند علی کل شی قدیر کاری که شدنی باشه به قدرتش تعلق میگیره این نشد یکی دیگه از ساعات اشتباهات قدرت خدا بر محال تعلق نمیگیره که این هست که بشه هم سفید سفید باشه یا سیاه سیاه نمیشه یا خداوند یاد این کار بکنه کار بکنه الان این ماسک هم در دست من باشه هم نباشه نمیشه این امر محالی قدرت خدا بر چیزی که شدنی باشه ممکن باشه تعلق پیدا میکنه و اینکه کره زمین بکنیم اندازه یک تیله به اندازه یک تیله سر سوزن رو بکنه بزرگتر از هستی این شدنی میشه محال نیستش اما بود و نبود سفید و سیاه اینها همه محاله نشدنی قدرت خدا بر امر شدنی تعلق میگیره محال که کلا نشدنیه ممکن نیست عقل هم داره حکم میکنه تمام این شبهاتی که من مطرح کردن چی بود امور محال بود حالا یکی توضیح میدم برمی‌گردد گفتیم خدا آیا میتونه خودشو از بین ببره خوب اگر بتونیم بگیم خداوند خودش را از بین ببریم که بتونه خودشو از بین ببره میشه مخلوق در حین اینکه خالق باشه مخلوق باشه میشه اجتماع ضدین یا در حینی که باید خالق باشه خالق نباشد میشه اجتماع نقیضین از قدرت خدا بر این امر تعلق نمیگیره سوالات اشتباه است وقتی خدا میتونه خودش نابود بکنه خدا که نابود نمیشه اونی که نابود میشه مخلوق خدا نیست تو میگی خدایی که خودش مخلوق باشه این اجتماع ضدین قدرت خدا بر امر محال تعلق نمیگیره اینه اشکال آیا خداوند میتونه یک سنگی رو خراب کنه که نتونه بلندش کنه خداوند میتونه سنگ رو خلق بکنه اما نتونه بلندش می کنه همین که نتونه قدرت خداوند حد خورد وقتی حد خورد ذات خداوند حد خورد یعنی در حینی که خداوند قادر هستش ذاتش هم محدوده یعنی در حین که خالق مخلوقه محدود یعنی مخلوق وقتی بگین نتونه بلند کنه یعنی قدرتش حد بخوره خارج از عین ذاتشه ذاتش حد میخوره یعنی در حین اینکه خداوند خدا باشه خداوند نباشه میشه اجتماعی نقیضین در اینکه خدا باشم مخلوق باشه میشه اجتماع ضدین قدرت خدا تعلق نمیگیره سوالات اشتباهه اینم یک شبهه دیگه چه شبهه ای انداختی شبهه دیگه این بود که خداوند کره زمین را میتونه داخل تخم‌مرغ قرار بده این سوال و از امیرالمومنین پرسیدن همان زمان این بحث ها مطرح بوده از امام صادق پرسیده جوابدهی امام صادق یک رو جواب دادم یکی میاد پیش امام صادق میگه خداوند می تونه زمین و داخل این تخم مرغ قرار بده آقای فرمایند که این چشم تو چقدر کوچیکه داری هستی رو میبینی پس شدنی است این نمی فهمه زمینه فهم این مسئله میشه از نظر خدا کار به محدودیت میرسه همین چیزی که در عالم همه چشم تو چه جوریه همه اینها رو داره میبینه خب یکم زبل نبوده که به این در چشم قرار نگرفته میبینه دیگه میخواستم بگم این که خداوند خداوند قادره امیرالمومنین یه نفر که میاد دقیق جوابشو میده چون طرف چیز فهمه لذا در روایاتی که پیامبر از وجود نازنین شون هست کلم الناس علی قدر عقوله یک بچه چهار ساله که به اینجا میاد حرفهایم را بهش نزنی و اینا چی دارن میگن بلد میشه میره نمیفهمه چی داری بهش میگی خدا همه کار میتونه انجام بده حالا بزرگتر میشه از این سئوالات همه کار میتونه انجام بده این آرو م میشه خداوند قدرتش به امر محال تعلق نمی گیرد نه یه بچه پنج ساله چی داری میگی اینا رو از دست نده حرف نامربوطی حضرت نزده جواب دادن به سوالش یه جور پیچوندن گفتم خدا همه کار می تونه انجام بده کاری شده نمیتونه انجام بده از امیرالمومنین سوال می‌کنند آقا می فرمایند قدرت تعلق نمی‌گیرد یعنی چی ببینید کره زمین حجمش یک مقداره کره زمین حجمش یک مقداره تخم مرغ دو زرده حجمش یک مقداره حضرت میگن تخم شتر مرغ این مقداره می آورد این کره زمین را داخل این قرار بوده این کره زمین حجمش کوچیک شده خدا میتونه حجمش کوچیک میشه در تخم قرار بده خدا اینو از هیچ چی خلق کرده نمیتونه کوچیکش بکنه میتونه در تخم مرغ رو باز کنه و کره زمین رو درش قرار بده چه گیری داره خدا اگر کره زمین را خلق کرده نمیتونه بزرگتر از کره زمین را خلق بکنه در سیارات ما داریم می بینیم تخم مرغ میتونه درست کنه گیریش چیه میگه نه حجم تخم مرغ همینقدر باشه و کره زمین هم همینقدر تغییر نکنه این داخلش قرار بگیره اینجا میگیم نگاه کن عجز دو جور داریم یک عجز فاعلی داریم یک عجز قابلی داریم خداوند عجز فاعلی داره نه علی کل شی قدیر کره رو میتونه کوچیک بکنه تخم مرغ میتونه بزرگ بکنه همه این کارها رو میتونه انجام بده پس عجز فاعلی از فاعل نیست از خالق نیست قابلی این تخم مرغ ظرفیت پذیرش این حجم انبوهی از کره زمین را نداره این مشکل از ظرفیت تخم مرغ نه عجز خدا ،خدا که همه اینها رو خلق کرده و کره را به یک اندازه او خلق کرده این تغییرات گفتن می تونه انجام بده از قدرت عجز فاعلی تخم مرغ ظرفیت پذیرش کره زمین رو نداره پس خدا میتونه انجام بده دیگه سوالت اشتباهه خداوند چیزی که شدنی باشه رو انجام میده تخم‌مرغ ظرفیت پذیرش کره زمین را ندارد این محاله این نشدنی بهش تعلق نمیگیره پس شبهاتی که عرض کردم روشن شد که یکی دیگه هم خدا میتونه یکی مثل خودشو خلق بکنه میگه خدا مثل خودشون خلق بکنه این که سوال تناقض داده مثل خودش رو خلق بکنه مثل خودش که خلق نیست او که مخلوق نیست وقتی میگی مثل خودش خلق بکنه یعنی چی یعنی در حینی که خداوند خدا باشه یعنی خلق شده نباشه خلق بکنه میشه تناقض خدا مثل خودشو میتونه خلق بکنه مثل خدا چیه مثل خدا اینکه خلق نشده باشه مثل خودش و خلق بکنه در عین اینکه خلق نشده خلق شده هم باشه تناقض دارد و قدرت خدا بر امر محال تعلق نمیگیره از این کلاً این بحث قدرت رو حلش کردیم این جلسه تمام این شبهات بیاییم یک نفر میگه ما اینها را قبول کردیم ما میگیم طول عمر امام زمان و جوانی امام زمان مثل چیه مثل همان ظرفیت تخم مرغ است چیزی که شدنی باشه قدرت بهش تعلق میگیره ما هم نمیگیم خداوند العیاذ بالله ضعیف هست میگیم که این عجز قابلی هست یعنی چی یعنی انسان قابلیت طول عمر زیاد و حفظ جوانی خود را به صورت یک جوان چهل ساله را ندارد ما که این حرفارو قبول داریم که شما بحث تخم مرغ براتون حل نشد ما هم میگیم آقا چه گیری داره خداوند متعال بتواند یک انسان را هزار و اندی سال طول عمر و جوانی بده میگیم آقا قدرت خدا بر امر محال تعلق پیدا نمیکنه انسان ظرفیت این رو نداره که اینقدر عمر کنه و انسان ظرفیت نداره که به سن چهل سالگی به همین صورت باقی بمونه تمام شد رفت پس محاله ما هم همینو میخوایم بگیم طرف یک مقدار شبهه رو به روز ترش میکنه این جلسه اثبات بکنیم این ماجرای طول عمر امام زمان و جوانی آن زمان مثل ماجرای تخم مرغ نیست که عجز قابلی باشه انسان ظرفیت اینو داره که هزاران سال عمر بکنه و چنین ظرفیت و پتانسیلی در انسان هست که پیر نشه اگر ما بتوانیم این ثبات بکنیم از این شبهه رها شدیم اگر نتونی امام زمان روی هوایه به تعبیری در نگاه مخالفین ها دیگه نمیتونیم وارد بحث‌های دیگه بشیم پس این یک بحث دقیقی هست با مخالفین که بحث می کنیم گاهی اوقات دین هم دارند مسیحی یهودی سنی هست گاهی وقتا گاهی وقتا آتئیست هست بعضی وقتا فقط خدا رو قبول داره هیچ دینی را قبول ندارد باید بتونیم یک تیکه شو حل بکنیم اگر از این مرحله رد نشیم بحث‌های دیگه هیچ فایده ای نداره نمی تونم قبول کنه اینو براش حل بکنیم و این شبهه اگر باشه باید برای خودمون هم حل بشه نکته اینجاست حالا مرحوم آقا شیخ مجتبی اینجا بحثی را مطرح کردم که بعد از این که می فرمایند درباره غیبت وجود حضرت بقیه الله از چند جهت لازم است بحث کنیم اول شیعه درباره آن حضرت به هیچ وجه مستلزم محال عقلی نیست محال عقلی من یک دسته بندی بکنم دوستان در ذهنتون باشه که یه سری بحث های دیگه اعتقادی هست مثل پازله اینها اگر درست حسابی کنار هم قرار نگیره اونها تصویر خودشو نشون میده اینها همه به هم کمک می کنند بحث توحید به بحث امامت امامت به نبوت همینطور معاد همینطور ببینیم ما چند جور کار داریم یک کار عادی الان من دارم با شما حرف میزنم تعجب می کنید که داره حرف میزنه حرف نمیزنه یه وقت سنگ داره حرف میزنه ولی تعجب می کنی من دارم میخندم یه درخت بخنده چای میارن میخورم کیک میان میخورم صبحانه می‌خورم نهار میخورم شام میخورم و بر میگیرم میخوابم اینها یکسری امور عادیه هر مخلوقی توی رنج مخلوقات خاصی که دارد این کار را انجام میده مثلا الان می خواهیم بپریم با هواپیما نه این آقا پرید ولی یک گنجشک بپره تعجب می کنیم گنجشک این امر طبیعی الاغ بپره چیز عجیبی ولی گنجشک بپره چیز عادی فقط میشه امور عادیه یکسری امور اداری اینها اموری هست خارق العاده خارق العاده یعنی چی خرق عادت میکنه عادت یعنی چی یعنی خوردن و خوابیدن و کارهایی که ما انجام می‌دهیم کارهای که او نمیتونن انجام بدن این حال عجیبم یک کار خارق العاده مثلاً فرض کنید من با این چشمم یک تمرکز می کنم هیپنوتیزم کار کردم مثلاً با این با این چشمم صندلی رو جابجا می کنم یک نفر بود زیاد هم هستند هر جا بخواهد صندلی رو می ذاره اینها یک امور خارق العاده ای هست شما می تونید با چشم تون صندلی رو تکون بدهید این میشه کار خارق العاده آیا خدا بهش وحی کرده خدا یک چیزی بهش داده نه این نشسته یک خودکار برداشته هی دایره کشیده کشیده کشیده متمرکز شده دوباره باز شده شده چهل روز این کار رو کرده یک کارهایی هست که اگر بخواهی تمرکز پیدا بکنی توی کار یا بحث در ارتباط مباحثی مثل تله پاتی باعث میشه قدرت تمرکز پیدا بشه این قدرت تمرکز چیزی نیست که از بالا آمده باشه در وجود همه خداوند قرار داده بعضی ها روی اون کار می کنند و تیزش می کنند بعضی ها یک دمبل رو که دویست کیلو هست رو بلند می کنند خدا بهت معجزه داده میگه نه من از ز مانی که کوچیک بودم بدنسازی زفتم همش کار کردم به خودم رسیدم بازوها رو قوی کردم یک آقایی یک گاوی رو می برده توی اتاقش میگن این گوساله بوده من هر روز اینو جابجا می کردم

گروهی آمدن پیش پیامبر و گفتند تو پیامبری گفت بله پیامبر رفت به سجده و جبرئیل نازل شد هر چی میگن گوش بده اشکل نداره اشاره کرد ماه به دو نیم تقسیم شد و شد شق القمر از معجزات نبی اکرم هست که هم شیعه و هم اهل تسنن گزارش کردند ماه به دونیم تقسیم شد نکنه چشم بندیه من الان می تونم یک کاری بکنم که تجسم اوهام یا یک کاری بکنم یک چیزی ببینید شما یا واقعا چیزیه روی مغز تو امواجی رو فرستادن خارق العاده است اما خلاف قوانین نیست اگر واقعا شما میگی پیامبری این دوتا نیمه رو بهم بچسبون اراده کرده دوتا نیمه بهم چسبید نه دوباره جدا کن دوباره جدا کرد باز نگاه کردن دوباره بچسبون ایمان آوردن گفتن دوستان ما که در یمن هستند باید ببینیم اونها که برگشتن که ماه دو نیم شده اگر گزارش دادن وقتی برگشتن گفتن بله ماه دو نیم شد اونی هم که نخواد ایمان بیاره دیگه نمیاره جالب اینه معبدی در چین کشف کردن که این معبد قدمت هزار سال داره بر دهانه ی این معبد نوشته شده این معبد سالی افتتاح شد که در اون سال ماه به دو نیم تقسیم شد همون سال که در زمان رسول اکرم بود چین مهد تمدن بود دور از شبه جزیره عربستان بود برو یک نقطه دور می گفتند برو چین ولو به سین علم رو برین طلب کنید ولی توی چین با وجود اینکه جای دوری هست این با سحر و تمرین و ریاضت بدست میاد این قدرت الهیه اما اجتماع نقیضین امر ممکنیه تعلق پیدا می کنه این هم شد معجزه حالا یک نفر میگه امام زمان هزار و اندی سال چه امر نشدنیه یا شما هزار و سال اندی عمر بکنه و جوون بمونه یک چیز عادی نیست یعنی مثل خوردن و آشامیدن امر خارق العاده باشه میگه اینم ممکنه اگر ما واقعا فرمول چون الان در علم علت مرگ چیه عمر آدمیزاد چند ساله عمر 120 ساله بیشتر نیست نه میگن یک اختلالاتی در سیستم بدن به مجردی که پیش بیاد انسان میمیره مثال زدم که یک خونی لخته میشه در رگهای مهم مغز و قلب که انسان سکته می کنه حال بعضی وقتها می میره بعضی وقتها نمی میره حالا یک نفر انقدر عالم باشه شرایطی باشه بتونه چکار بکنه این اختلالات براش پیش نیاد یا خدا یک چیز خاص عالم باشه نیاد در طی تاریخ خیلی ها از چی می مردن از بیماری های مسری می مردن طاعون به کرونا الان نگاه نکنید طاعون می آمد یک شهر رو از بین می برد کوچیک و بزرگ می امد از بین می برد وقتی وارد شهر می شدن همین طور جنازه ها ریخته بود همه شون می مردن سل میومد همه رو از بین می برد یک مملکت رو از بین می برد بوده در تاریخ یک چیز عجیبی نیست قدیم هم بوده متنها رسانه نبوده الان رسانه هست یک نفر که اون طرف دنیا تصادف کرد زود میگن اون همه آدم دارن می میرن اون موقع هزاران نفر می مردن به گوش چند کیلومتری نمی رسید یک نفر مرده رسانه نبوده گزارش نمی کردن اینها رو در طول تاریخ فراوان بوده حالا یک کم کمتر یا یک کم بیشتر حالا چند نفر از سل می میرن اون موقع چند نفر می مردن خیلی محدوده چون تونستن با علم روز اینو محارش کنند چند روز دیگه واکسن کرونا میاد اول پاییز یکی واکسن بزنه که کسی نگیره ما چرا داریم می گیریم چون علم محدوده علم که محدوده یک ویروس که میاد در آن واحد که این همه می مردن در گذشته که نمی مردن بشر نتونست محارش بکند برای همین فوج فوج دارن می میرن حالا یک نفر باشه تمام امور در دستش باشه میتونه مقابله با هر گونه بیماری بکنه میمیره خب چرا بمیره خانمها می دونند یک سری کرمهایی اومده گاهی وقتها پوست صورت شصت سالشه سی ساله باقی میمونه واقعا باقی میمونه اینها همش تبلیغ نیست یک ویتامین های خاصی به پوست برسه افتادگی که پلک داره و افتادگی که پوست داره همه جبران میشه یک کسانی که به اندازه ای که دارن هزینه می کنند به خودشون می رسند بعد می بینی سه سال بیشتر بهش نمی خوره یک بنده خدایی نداره خب نمیرسه به خودش حالا فرض بکنید که یک نفر دیگه به یک نحوه خاصی جوونی شو حفظ کرده ویتامین هایی اومده اگر انتقال داده بشه به بدن جلوی سفیدی مو رو می گیره و موی سفید رو سیاه می کنه یعنی سفید شده بعد میبینی کم به کم سیاه شده خود امام زمان علم به تمام اینها داره چه گیری داره که آقا مثلا ندونه چکار بکنه که به اندازه یک آقا چهل ساله باقی بمونه یا طول عمر بهداشت رو بتونه رعایت بکنه در طی تاریخ از بی بهداشتی می مردن یا به بعضی بیماری ها مبتلا نشن نیاز به یک معجزه الهی هم نیست علم شو داشته باشه می تونه همه کار بکنه ما خیلی ها رو داشتیم توی فک و فامیل که گفتیم چند سالته من پنجاه سالمه عه شما هفتاد سال بهت می خوره ژنش طوری بوده که جون مونده بالاخره شرایط و مسائلی بوده ما یک نفر رو توی ذهنم هستش که فرزندش فوت شد این مادر چنان استرش و فشار بهش اومد که شب رفت توی اتاق و صبح که اومدن تمام موهاش سفید بوده نمونه اش را داشتیم شاید بگین حضرت زینب که هزار سال و اندی سال که بگین کی دیده و کی ندیده نمونه اش را دیدیدم گاهی اوقات کنترل نکردن بعضی از امور پیری زودرس میاره یا برعکس هم میشه یک نفر بره یک جای خوش آب و هوا می بینی که جوون شده دوسال پیش دیدیمت زیر چشم هات سیاه شده بهم ساخته حالا چه گیری داره که امام زمان آگاه به تمام امور هست براش یک امر عادی می تونه باشه میشه معجزه آمیز خیلی سماجت داشته علم هیچ قطعیتی نداره که شما نمی تونی جوونی تو حفظ بکنی یا طول عمرتو زیاد بکنی علم دنبال این است در آمریکا یک موسسه ای هست پول می گیرن اینهایی که می میرن اینها رو منجمد می کنند خاک نمی کنند در شرایط خاصی بدن شون سالم قرار می گیره از دهها سال پیش هنوز هم هست چرا؟ به امید اینکه داروی حیات در آینده کشف بشه اینها رو زنده بکنند یعنی موسسه علمی هست چنین امیدی دارند اینها

پس علم که قطعیت نداره حالا یک نفر بگه نه آقا اینها رو بذار کنار درسته علم قطعیت نداره بالاخره هزار و اندی سال و جوون چهل ساله تهش میگیم معجزه هست خدایی که عصای خشک رو اژدها می کنه و اژدها رو تبدیل به عصای خشک می کنه این چه گیری داره یا امر محالیه که بعنوان یک جوان چهل ساله باقی بمونه یک عمری من که به طور معمول صد سال عمر می کنم حالا هزار و اندی سال عمر بده چه گیری داره خدا می خواهد حفظ کند یک چیز غیر عادی باشد تناسخ که نیست گیرم خیلی سماجت داشته باشه با معجزه قضیه حل میشه اگر شما معجزه رو می خواهی انکار کنی معجزه تمام انبیا رو انکار بکن چرا چون تهش میگه قانون طبیعت من اینه که بیشتر از دویست سال عمر نکنم و پیر میشم تهش اینه خلاف قانون طبیعته مگر آتش قانونش این نیست که حرارت بده برای ابراهیم چی شد برد و سلام شد خدا بخواد نگه میداره گیری نداره تهش اگر بخواهی اشکال بگیری با معجزه حل میشه پس کل مطلب رو از خارج بهتون گفتم حالا بریم سر عبارت بخونیم

صفحه 760 گفتار درباره جهت دوم می فرماید عقیده شیعه بوجود ولیعصر مستلزم محال عادی هم نیست محال ذاتی که نیست اشتباه نقیضین نیست محال عادی مطابق با قوانین طبیعت نمی باشد اینکه آتش برد و سلام بشه مطابق با طبیعت است معجزه هست ایشون می خواد بگه کسی که خدا علم رو بهش داده می دونه باید چکار بکنه این عمر طولانی باید داشته باشه نه جوانی شو حفظ بکنه معجزه هم نیست محال عادی هم نیست می فرمایند اگر کسی بگوید وجود و حیات امام زمان محال عقلی و ممتنعه ذاتی نیست لکن بر حسب عادت محال که شخصی اینقدر عمر کند سئوال می کنیم مقصود محال بودن آن بر حسب عادت چیه اگر منظور از محال عادی این است که مطابق با قواعد طبیعی نمی باشد مانند پریدن انسان که محال عادی است چون پرواز انسان با قوایی که در اون خلق شده مطابقت ندارد میگه یک نفر میاد میگه که طول عمر امام زمان محال عادی است مثل پرنده ما میتونیم بپریم آیا وجود طول عمر امام زمان هم همینطوره یعنی مثل پریدن انسان هست چون قوای پریدن در وجود من نیست اما اگر خدا بخواد میتونه بپرم محال ذاتی نیست محال عادی هست عمرا نمی تونیم بپریم اما خدا بخواد میده حالا طول عمر و جوانی امام زمان یک سری امتیازاتی که در ارتباط با حضرته این محال ذاتی که نیست آیا محال عادی هست آیا معجزه هست یا معجزه نیست گروهی گفتند به مانند پریدن انسان هست چطور نمی تونه بپره مگر اینکه خدا بخواد بهش بده معجزه ای بخواد بشه کسی هم که بخواد اینثدر طول عمر داشته باشه باید معجزه بشه بطور عادی نمیشه مطابق با اسباب و قواعد طبیعی نیست اگر کسی این دو را یکسان ببیند می پرسیم طول عمر امام زمان به چه دلیل و برهانی مخالف با قواعد طبیعی است در اینجا لازمه است توضیح بخواهیم که وجود امام عصر علیه السلام را محال دانستن به واسطه کدام یک از جهت هست میگه آقا چند بحثه اگر یک نفر بگه محاله میگیم محال ذاتی که نیست محال عادیه یعنی این قوا و قوه ای که بنده بتونم هزار و اندی سال بتونم عمر بکنم دلیل علمی نیست به چه دلیل علمی میگی نمی تونیم جوونی مون رو حفظ بکنیم دلیل بیاور حالا

چند تا سئوال مطرح می کنم که آیا اینهایی که میگیم محال عادیه یا نه آیا مقاماتی که شیعه برای امام زمان قائل هستند محاله حالا مقامات چیه که برای امام قائلند حجت خدا یک سری مقامات داره آیا محاله خداوند اینها رو اعطا کنه به یک نفر

یا طول غیبت و عمر آن حضرت امر محالیه یک نفر غیبت بکنه و عمر طولانی داشته باشه بتعبیر من جوانیشم حفظ بکنه این امر محالیه عده ای فوائد و ثمراتی که بر وجودش مترتب است در زمان غیبت محال دیده می شود که امام غایب این فوائد را داشته باشد میگه یک سری ثمراتی داره اما غایبه محاله که امام در زمان غیبت این سری فوائد و ثمرات را داشته باشه اینم یک اشکال دیگه

چهار یا آنکه شیعه قائل است که بعد از ظهور به دست آن جناب انجام می شود محاله

امام زمان وقتی میاد یک چیزهای عجیب و غریب اتفاق میفته اونها هم محاله که میگیم چه اتفاقاتی میفته وقتی حضرت تشریف میارن حتی از علائم حتمی حضرت یک صیحه است یک صیحه ای که تمام موجودات تمام عالم کره زمین تمام انسانها حتی خواب باشن اون صدا به گوش شون میرسه

یک جا هست در هزاران کیلومتری پیرامون ما هیچ انسانی وجود نداره رفتیم یک کلبه ساختیم زندگی می کنیم اونجا ایزاری نیست خب بالاخره این رسانه ها و تلویزیون هم نیست امواج هم نیست اون صدا به گوش میرسه این یک معجزه است حالا بعضی ها میگن بعضی چیزها رو قبل از ظهور نمی تونیم باور کنیم اینها رو چی داریم بگیم از جهات مختلف داره اشکال وارد می کنه

می فرمایند خارج از این چند توهم نیست یا بالاخره از مقامات حضرت هست یا در زمان غیبت هست طول عمر حضرته یا در حین ظهوره هر کدام از اینها رو در نظر بگیر می فرمایند خارج از توهم نیست محال می داند بواسطه یکی از این جهات هست ما به خواست خدا هر یک را به ترتیب بررسی می کنیم

مقامات حضرت چیه ؟اینها رو بررسی می کنیم جلسه بعد

شیعه چه مقاماتی رو برای امام قائله و آیا این مقامات محاله یا محال نیست اینها رو مورد عرض یابی قرار میدیم

اول از لحاظ محال ذاتی و بعد محال عادی اینها رو مورد عرضیابی ان شالله قرار میدیم